

گام برداشتن در ایمان



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: فلیپیان ۲: ۵ تا ۱۱؛ متی ۴: ۱۸ تا ۲۰؛ اعمال ۹: ۳ تا ۶، ۱۰ تا ۲۰؛

یوحنا ۲۱: ۱۵ تا ۱۹؛ اول یوحنا ۳: ۱۶ تا ۱۸.

آیه حفظی: « طرز تفکر شما درباره زندگی باید مانند طرز تفکر عیسی مسیح باشد. اگرچه او از ازل دارای الوهیت بود، ولی راضی نشد که برابری با خدا را به هر قیمتی حفظ کند. بلکه خود را از تمام مزایای آن محروم نموده، به صورت یک غلام درآمد و شبیه انسان شد» (فلیپیان ۲: ۵ تا ۷).

ترک جلال و شکوه آسمان، پرستش فرشتگان، و همنشینی با پدر، خود یک فداکاری و از خودگذشتگی غیرقابل تصور بود. با این وجود، عیسی به این جهان رنج، فنا و نیستی آمد، تا شخصیت مهربان پدر را آشکار کند، عاطفه و مهر از دست رفته نسل بشر را به او بازگرداند و کل بشریت را نجات دهد. «هرگز بهای گرانقدر بازخرید ما، برای ما قابل درک نمیتواند باشد تا زمانی که نجات یافتگان در برابر عرش خداوند همراه با فدیة دهنده بایستند. سپس همانطور که شکوه و جلال خانه ابدی تحسین ما را برانگیخته و مبهوت خود کرده، ما به یاد خواهیم آورد که مسیح همه آن شکوه و جلال را به خاطر نجات ما ترک کرد، او نه تنها از بارگاه و جایگاه آسمانی دور شد، بلکه به خاطر ما خطر ناکامی و از دست دادن ابدیت را هم پذیرفت. سپس ما در پیشگاه او سر تعظیم فرو خواهیم آورد، و با صدای بلند خواهیم خواند، «بره خدا که جانش را در راه نجات مردم قربانی کرد، لیاقت دارد که صاحب قدرت و دولت، حکمت و قوت، حرمت و جلال و برکت باشد» (مکاشفه ۵: ۱۲). (الن جی وایت، آرزوی اعصار، صفحه ۱۳۱).

فداکاری که عیسی برای نجات ما انجام داد، غیر قابل تصور بود. وقتی ما به رهبری او پاسخ مثبت میدهیم، فرمان او را می پذیریم و با او در دستیابی به گمشدگان برای ورود به پادشاهی او متحد میشویم، این را می توان فداکاری نامید. اگرچه قربانیهای ما هرگز به هیچوجهی نمیتواند با فداکاری او مقایسه شود، اما ماموریت و وظیفه ما در

صید جان‌ها می‌تواند همچنان خیزش بزرگی در ایمان باشد. این ما را راهنمایی میکند تا از محیط امن و راحت خودمان درآمده و به سمت آبهای خروشان حرکت کنیم. در برخی مواقع پروردگاران ما را فرا می‌خواند تا قربانی‌هایی را بدهیم، اما شادمانی که او به ما می‌بخشد بیشتر از آنهاست. درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۵ مهر - ۲۶ سپتامبر آماده شوید.

یکشنبه

۳۰ شهریور

محبت فداکارانه مسیح

پولس رسول ما را تشویق می‌کند تا «بگذاریم» یا «اجازه دهیم» یا «مجاز بداریم» تا ذهنیت و افکار مسیح در ما ساکن شوند. این ما را بسوی برخی سؤالات جالب سوق میدهد. طرز تفکر مسیح شبیه چه بود؟ چه چیزی بر الگوهای فکری او حاکم بود؟ منشاء افکار او چه بود؟

فیلیپیان باب ۲: ۵ تا ۱۱ را بخوانید. چگونه این آیات محور تفکرات مسیح و الگوی حاکم بر کل زندگی او را نشان می‌دهند؟

مسیح از ازل با خداوند برابر بود. پولس این حقیقت جاودانی را اینطور بیان میکند: «اگرچه او از ازل دارای الوهیت بود، ولی راضی نشد که برابری با خدا را به هر قیمتی حفظ کند» (فیلیپیان ۲: ۶). کلمه ترجمه شده «شکل» از کلمه یونانی *Móρφ: Mórph* گرفته شده است. یعنی تغییر از یک شکل به شکل دیگر. او دو چیز که ارزش برابر دارند را به هم پیوند میدهد. کتاب مقدس تفسیری کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم چنین بیان می‌کند: «این مسیح را در جایگاهی مساوی با پدر، و او را بالاتر از هر قدرت دیگری قرار میدهد. پولس این مطلب را تصریح می‌کند تا ژرفای حقارت داوطلبانه مسیح را واضح تر به تصویر بکشد»

(جلد ۷، صفحه ۱۵۴). خانم *الِن جی وایت* در مورد ماهیت ابدی او چنین می‌افزاید که « مسیح زندگی است، اصیل است، ذات است، آغازین است (آرزوی اعصار، صفحه ۵۳۰). عیسی که از ازل با خدا برابر بود، «با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد، بلکه خود را خالی کرد». این همان عبارت شگفت‌انگیز یونانی است. این کلمه به معنای واقعی «تهی کردن» میتواند ترجمه شود. مسیح داوطلبانه خود را از امتیازات و مزایای برابر با خدا بودن «تهی کرد»، تا به شباهت انسان درآید و خود را غلام فروتن بشریت ساخت. او به عنوان یک خادم، قانون محبت ملکوتی را برای تمام جهان آشکار ساخت و سرانجام، با مرگ خود بر روی صلیب، عمل به محبت را بطور کامل نشان داد. او زندگی خود را بخشید تا همه ما را تا به ابد نجات دهد.

ماهیت افکار مسیح، محبت فداکارانه و از خودگذشتگی بود. پیروی از مسیح بدان معناست

که همانطور که او محبت کرد ما هم محبت کنیم، همانطور که او خدمت کرد ما هم خدمت کنیم، و همانطور که او عبادت کرد، ما هم عبادت کنیم. اجازه دادن به عیسی برای تهی کردن وجود ما از جاه طلبی و خودخواهی توسط روح القدس خویش، هزینه ای را برای ما در بر خواهد داشت. این برای عیسی به بهای همه چیز او تمام شد. اما کتاب مقدس درباره عیسی می‌گوید: «از این جهت خدا او را بسیار سرافراز نمود و نامی را که بالاتر از جمیع نامهاست به او عطا فرمود» (فیلیپیان ۲: ۹).

بهشت ارزش هر گونه فداکاری را دارد که ما بر روی زمین انجام دهیم. در مسیر زندگی فداکارهایی وجود خواهد داشت، اما شادی های خدمت امروز، گوی سبقت را از آنها خواهد گرفت، و لذت ابدی زندگی با مسیح در ابدیت باعث میشود که هر نوع فداکاری که در اینجا انجام میدهیم در برابر آن ناچیز باشد.

آخرین باری که شما واقعاً در وجود خود به خاطر مسیح مُرده اید] خود را انکار کرده‌اید] چه زمانی بوده است؟ پاسخ شما درباره گام برداشتن با مسیح و همراه شدن با او به شما چه می‌گوید؟

۳۱ شهریور

دوشنبه

فراخوانی برای وقف

تصور کنید که شما پطرس و یوحنا هستید. در یک صبح زیبا از تپه جلجتا خورشید تازه بعد از یک شب سرد طلوع کرده است. افکار شما متمرکز بر یک چیز است: صید مقدار زیادی ماهی. اخیراً ماهیگیری خوب بوده است، و شما منتظر روز دیگری برای صیدی عالی هستید. سپس در نور سپیده دم، عیسای ناصری، را می بینید که به شما نزدیک میشود. شما فقط میدانید که چند لحظه دیگر کل زندگی شما تغییر خواهد کرد. و شما دیگر هرگز آن انسان قبلی نخواهید بود.

متی باب ۴: ۱۸ تا ۲۰ را بخوانید. چرا فکر می کنید پطرس و یوحنا مایل بودند با چنین سرسپردگی بنیادی از مسیح پیروی کنند؟ چه چیزی در این آیات نشان میدهد که عیسی آنها را برای هدفی بزرگ‌تر از صید ماهی فراخوانده است؟

از انجیل یوحنا می فهمیم که این مردان بیش از یک سال قبل چیزی را درباره عیسی می دانستند، اما هنوز بطور کامل سرسپردگی خود را به او اعلام نکرده بودند. با وجود این، باید رفتار و حرکتی الهی صورت گرفته باشد، چیزی در ارتباط با چهره، کلام، و اعمال او که به این ماهیگیران جلیلی نشان داده باشد که وی آنان را برای یک فراخوان الهی دعوت می کند. علتی که به خاطر آن، آنها قایق ها، شغل، و خانواده و اطرافیان خود را برای پیروی از او رها کردند،

زیرا که او آنها را برای هدفی والاتر فرا میخواند. این ماهیگیران عامی فهمیده بودند که برای یک هدفی فوق العاده فراخوانده شده‌اند. ممکن نیست خدا شما را دعوت کند تا امروز حرفه خود را ترک کنید، مگر اینکه شما را برای هدفی فوق العاده تر فراخوانده باشد، و آن اینست که محبت او را با دیگران در میان بگذارید و برای جلال نام او شاهدان حقیقت باشید.

دعوت از متی، مامور باج و خراج، را در کتاب متی باب ۹:۹ در نظر بگیرید. شما در این آیه چه می بینید که کاملاً قابل توجه است؟

مامورین جمع آوری مالیات در دنیای روم اغلب باجگیر بودند چرا که از قدرت رسمی خود برای سرکوب مردم عادی استفاده می کردند. آنها از میان برخی شخصیت‌های منفور و پست در تمام اسرائیل بودند. دعوت عیسی این بود «مرا پیروی کن»، او در نظر می‌گیرد که متی، عیسی را شنیده و در قلبش شوق پیروی از او را دارد. وقتی متی دعوت شد، او آماده بود. او شگفت زده بود که آیا مسیح او را خواهد پذیرفت، و از او برای اینکه یکی از شاگردانش باشد، دعوت میکند.

در اعماق قلبهای ما اشتیاق برای چیزی بیشتر و مهمتر در زندگی وجود دارد. مانیز می‌خواهیم برای چیزی ارزشمند، و هدفی عظیم و اصیل زندگی کنیم. از اینرو، مسیح ما را دعوت میکند، تا مانند متی او را پیروی کنیم.

درباره آنچه مردم مجبور شده‌اند به خاطر پیروی از عیسی از آن بگذرند، فکر کنید. چرا، در پایان، همیشه ارزش پیروی از مسیح را خواهد داشت؟

۱ مهر

سه شنبه

پولس: عامل منتخب خدا

هنگامیکه پولس مسیح را پذیرفت، کل زندگی او بطور بنیادین تغییر کرد. مسیح آینده کاملاً جدیدی را برای او رقم زد. او پولس را هدایت کرد تا زندگی راحت خود را رها کند و تجربیاتی را داشته باشد که حتی تصورش را هم نکرده بود. پولس رسول با هدایت روح القدس، کلام خدا را به هزاران نفر در سراسر دنیای مدیترانه اعلام کرد. وی به عنوان شاهد مسیح و با جلال نام او تاریخ مسیحیت و جهان را تغییر داد.

اعمال باب ۹: ۳ تا ۶، ۱۰ تا ۲۰ را بخوانید. این آیات چگونه نشان میدهند که عیسی هدفی الهی را برای حیات پولس در نظر داشت؟

مسیح اغلب نامحتمل ترین نامزدها را انتخاب میکرد تا شاهدان و سفیران باشند تا نام او را جلال دهند. به مرد دیوانه، زن سامری، روسپی، باجگیر، ماهیگیران جلیلی، و حالا یک شکنجه گر و جفا دهنده مسیحیان بیندیشید. همه اینها با فیض خداوند تغییر کردند و سپس فرستاده شدند تا داستان

آنچه که مسیح در زندگیشان انجام داده بود را بازگو کنند. آنها هرگز از بازگو کردن داستان زندگیشان خسته نمی شدند. آنچه مسیح برای آنان انجام داده بود چنان شگفت انگیز بود که آنها مجبور بودند با دیگران در میان بگذارند. آنان نمی توانستند سکوت کنند.

اعمال باب ۲۸: ۲۸ تا ۳۱ و دوم تیموتائوس باب ۴: ۵ تا ۸ را با هم مقایسه کنید. در این آیات چه نشانه هایی داریم که نشان میدهند که پولس هرگز از وقف کامل زندگی خود به مسیح در رسالت ماموریت صید جانها تخطی نکرد؟

پولس در پایان زندگیش، هنگامیکه در روم در حبس خانگی بود، تایید میکند: «پس بدانید که این نجات الهی در اختیار غیر یهودیان گذاشته شده است و آنها آن را خواهند پذیرفت» (اعمال ۲۸: ۲۸). همچنین نوشته شده است که وی تمام افرادی که نزد او آمدند را پذیرفت و کلام خدا را برای آنان موعظه کرد (اعمال ۲۸: ۳۰، ۳۱). در پایان زندگیش، او از تیموتائوس خواست تا کار بشارت را ادامه دهد، پولس میتواند در مورد خودش چنین گفته باشد، «من در این مسابقه نهایت کوشش خود را نموده ام و دوره خود را تمام نموده، ایمانم را حفظ کرده ام» (دوم تیموتائوس ۴: ۷).

ممکن است فراخوان ما به اندازه پولس چشمگیر نباشد، اما خداوند از هریک از ما دعوت میکند تا با او در ماموریت او برای تغییر جهان شرکت کنیم. بدیهی است، پولس علیرغم همه سختی هایی که در طی سالها با آن روبرو بود (دوم قرنتیان ۱۱: ۲۵ تا ۳۰)، نسبت به دعوت پروردگار از او با ایمان وفادار ماند. داستان چگونگی آزار و جفای این جفاکار سابق پیروان مسیح به تاثیرگذارترین و پرثرترین حامی و مدافع ایمان مسیحی مبدل شد (به استثناء مسیح) و همچنان شهادت قدرتمندی برای آنچه که پروردگار میتواند از طریق کسی که زندگی خود را وقف کار خداوند کرده، انجام دهد.

خداوند شما را برای انجام چه کاری فراخوانده است؟ آیا شما به وظیفه خود عمل می کنید؟

۲ مهر

چهارشنبه

مطالبات محبت

محبت همیشه در عمل تجلی می یابد. محبت ما به مسیح ما را وادار می کند تا برای بشریت گمشده کاری انجام دهیم. پولس زمانیکه با کلیسای قرنتس سخن می گوید، به روشنی بیان می کند، «زیرا محبت مسیح بر ما حکمفرماست» (دوم قرنتیان ۵: ۱۴). مسیحیت در درجه اول این نیست که ترک اعمال بد میتواند به نجات ما منجر شود. مسیح چیزهای بد را در آسمان «ترک» نکرد تا دیگران بتوانند رستگار شوند. او چیزهای خوب را رها کرد تا دیگران بتوانند نجات یابند. مسیح ما را فقط دعوت نمی کند تا وقت،

استعداد، و گنجهای خود را به رسالت او اختصاص دهیم؛ او ما را دعوت میکند تا حیات خود را وقف او کنیم و از آن بگذریم.

در جلسه صبحگاهی با حواریون در سواحل جلیل، مسیح بطور واضح و شفاف، الزامات مهر و محبت الهی را مشخص کرد.

یوحنا باب ۲۱: ۱۵ تا ۱۹ را بخوانید. مسیح سه بار از پطرس سوالی پرسید، و پاسخ پطرس چه بود؟ چرا مسیح این سوال خاص را سه مرتبه از پطرس پرسید؟

پطرس سه مرتبه خداوند خود را انکار کرد، و عیسی سه مرتبه پاسخ محبت را از زبان خود پطرس بیرون کشید. در حضور حواریون، مسیح اعتماد به نفس پطرس را دوباره احیا کرد که با محبت الهی به او بخشیده شده بود و همچنان مسیح ماموریتی برای پطرس داشت که او باید در راه هدف مسیح به انجام میرساند.

یوحنا باب ۱۲: ۵۱ تا ۹۱ را بار دیگر بخوانید، اینبار به ویژه به پاسخ مسیح برای تایید پطرس در مورد محبت به مسیح، توجه کنید. مسیح در جواب به او گفت که چه کاری انجام دهد؟

محبت الهی فعال و در حال جنبش و حرکت و نه منفعل و ساکت. محبت واقعی چیزی بیش از یک احساس گرم و صمیمی، و بیش از یک ایده خوب است. محبت متعهد است. محبت ما را وادار به عمل میکند. محبت ما را به دنبال دستیابی به جهانی گمشده متشکل از فرزندان خدا که شدیداً نیازمند به تغییر و تحول هستند، میفرستد. هنگامیکه مسیح به پطرس گفت، «گوسفندان مرا خوراک بده»، این هم یک دستور و هم یک اطمینان خاطر بود. سرور خواستار پاسخگویی به محبت بود، و او همچنین پطرس را تشویق کرد چون هنوز وظیفه ای را برای او در نظر دارد که باید به انجام میرساند، حتی با وجود عمل واقعاً شرمگینانه پطرس در هنگام دستگیری مسیح، که پطرس نه تنها انکار کرد که او را نمیشناسد، بلکه با دشنام گویی او را انکار کرد، دقیقاً همانگونه که مسیح پیش گوئی کرده بود که اتفاق می افتد.

مهم چیست؟ شما ممکن است خداوند را از خود بشدت ناامید کرده باشید. شما ممکن است بیش از یکبار او را با اعمال خود انکار کرده باشید. خبر خوب اینست که هنوز فیض او در دسترس است و هنوز خدا از شما ناامید نشده است. هنوز در کار او جایگاه و مسئولیتی برای شما هست، اگر شما بخواهید.

آیا هرگز تا به حال مانند پطرس خداوند را «انکار» کرده اید؟ اگر چنین بوده، در اینجا این داستان نه تنها درباره انکار پطرس، بلکه در مورد سخنان مسیح به پطرس به شما چه می گوید؟

تعهد محبت

در پایان گفتگوی میان پطرس و مسیح، می بینیم که هر دو مرد در ساحل در حال قدم زدن هستند. هنگامیکه امواج به ساحل برخورد می کنند، عیسی به پطرس از هزینه و بهای شاگردی سخن می گوید. او می خواهد که پطرس به وضوح بداند که اگر دعوت مسیح مبنی بر «خوراک دادن گوسفندان» را بپذیرد با چه مسئولیت مهمی روبرو خواهد بود.

یوحنا ۱۲: ۸۱، ۹۱ را بخوانید. عیسی در مورد بهای شاگردی به پطرس چه گفت؟ چرا فکر می کنید عیسی در این مرحله از زندگی پطرس چیزی بسیار شگفت انگیز را برای او آشکار کرد؟

در این سخنان، مسیح شهادتی را که روزی نصیب پطرس خواهد شد را پیش گوئی کرد. او به صلیب کشیده می شد. در این مکاشفه، مسیح به پطرس پیشنهاد یک انتخاب را داد. او یک شادی عظیم را در پیش روی قرار می دهد: دیدن جان هایی که به خاطر پادشاهی خداوند صید خواهند شد. در روز پنطیکاست او می توانست هزاران نفر را ببیند که به نزد مسیح خواهند آمد. او در نام مسیح معجزات بسیاری را انجام می داد و نام او را در برابر هزاران نفر تکریم میکرد و جلال می داد. او می توانست شادی پایان ناپذیر رفاقت و همکاری با مسیح در انجام ماموریتش در جهان را تجربه کند.

اما این امتیاز و افتخار بزرگ مستلزم پرداخت بهایی بود. این می توانست یک فداکاری بزرگ، فداکاری رفیع و والایی باشد. از پطرس خواسته شده بود تا با آگاهی و چشمان باز تعهداتش را بپذیرد و سرسپردگی خود را اعلام کند. حالا پطرس دیگر میدانست که هیچ فداکاری و از خودگذشتگی بزرگ تر از پیوستن به مسیح در انجام ماموریت جهانی او نیست.

اول یوحنا باب ۳: ۱۶ تا ۱۸ را بخوانید. گزینه یوحنا برای محبت کردن به عنوان صرفاً یک تئوری مبهم و نامعلوم چه بود؟ چگونه یوحنا مفهوم از خودگذشتگی عظیم محبت را وصف میکند؟

برای ابدیت، ما هیچکاری را نمی توانیم انجام دهیم که همانند یک فداکاری به نظر برسد. اختصاص وقتمان، تلاش های مان، وقف زندگی مان، به نظر می رسد همه بسیار ارزشمند و دارای اجر هستند. کدام شادی عظیم تر از تبدیل شدن محبت به عمل، و نیات و مقاصد به سرسپردگی و تعهد است. ما زمانی به محبت الهی پاسخ خواهیم داد که هیچ چیز نتواند مانع ما در کار خدمت شود، و ما به عنوان سفیران مسیح شاهدان او در برابر دیگران باشیم، و به مفهوم حیاتمان تحقق بخشیم و بزرگترین شادی زندگی را تجربه کنیم. همانطور که عیسی صریحاً بیان کرد، «هرگاه این را فهمیدید، خوشا به حال شما اگر به

آن عمل نمائید» (یوحنا ۱۳: ۱۷). عظیم ترین شادی زندگی و خوشحالی ابدی زمانی حاصل می شود که ما با به مفهوم واقعی هستی خود تحقق بخشیم آنهم با جلال دادن خداوند بوسیله طریقه زندگیمان و به اشتراک گذاری محبت و حقیقت او با جهان.

وقتی تمام آن چیزی که ما می دانیم اینست که فرصت ما کم است، درک مفهوم نظریه ابدیت دشوار است. اما همانطور میتوانید، تلاش کنید تا یک زندگی ابدی خوب را مجسم کنید، بهتر از هر چیزی که می توانیم در این جهان داشته باشیم، بنابراین، چرا هیچ چیز در اینجا، در این دوره کوتاه زمان، ارزش اینرا ندارد که وعده حیات ابدی یعنی زندگی با عیسی مسیح را به خاطر آن از دست بدهیم.

جمعه

۶ تیر

تفکری فراتر: کسانی که نظارت مسائل روحانی کلیسا را برعهده دارند باید روشها و تمهیداتی را ایجاد کنند تا فرصتی برای هر یک از اعضای کلیسا فراهم آید تا بخشی از کار خدا را انجام دهند. اغلب در گذشته این امر میسر نشده است. طرح ها و برنامه ها بطور شفاف و کامل اجرا نشده اند که به موجب آن استعدادها همه اعضا در کار خدمت بکار گرفته شود. تعداد اندکی هستند که درک کرده باشند که به این علت چه جان هایی از دست رفته اند.

«رهبران راه خدا، به عنوان فرماندهان خردمند، باید برنامه هایی را برای حرکت های پیشرونده در تمام جبهه های کار خداوند طراحی کنند. در برنامه ریزیهای آنان باید مطالعات خاص در مورد کارها انجام گیرد تا افراد عادی هم بتوانند برای دوستان و همسایگانشان در جهت رسالت خداوند کاری را انجام دهند. تا زمانیکه مردان و زنان عضو کلیسا به وظایف خود عمل نکنند و در تلاشهای خودشان با خادمین و رهبران کلیسا متحد نشوند، کار خداوند بر روی زمین تحقق نمی یابد.

«نجات گناهکاران مستلزم یک کار جدی و فردی نیروی انسانی است. ما باید با در دست داشتن کلام حیات بخش خداوند بسوی آنان برویم، نه اینکه منتظر باشیم تا آنها به سمت ما بیایند. وه! که من می توانم از کلام خداوند با زنان و مردانی سخن بگویم که میتوانند باعث بیداری و آگاهی برای یک اقدام کوشا شود! فرصتی که به ما اعطا شده است، بسیار اندک است. ما از نقطه نظر تاریخی در مرزهای جهان ابدی ایستاده ایم. ما وقتی برای از دست دادن نداریم. هر لحظه، فرصتی طلایی و روی هم رفته بسیار ارزشمند است که صرفاً باید به خدمت فردی اختصاص یابد. چه کسانی با جدیت در جستجوی خداوند از قدرت و فیض او بهره میگیرند تا در عرصه بشارت، کارگران وفادار او باشند؟» در هر کلیسا استعدادهائی وجود دارند که برای بکارگیری در یک نوع کار خدمتی

متناسب می باشند، و میتوانند با پرورش و توسعه تبدیل به کمک بزرگی در کار خدمت گردند. آنچه در حال حاضر برای بنای کلیساهای ما نیاز است، کار بجا و مطلوب نیروی انسانی خردمند کلیسا است تا بتوانند استعدادها را در کلیسا تشخیص و پرورش دهد، استعدادهایی که می توانند برای کاری بزرگ تربیت شوند « (الن جی وایت، شهادت هایی برای کلیسا، جلد ۹، صفحه ۱۱۶).

سوالاتی برای بحث

۱. منظور اصلی خانم الن جی وایت در اظهارات فوق چیست؟ چه تاثیری میتواند در شاهد بودن شخص شما و کار بشارتی کلیسای شما داشته باشد؟
۲. چگونه محبت واقعی همیشه آشکار میشود؟ اشکال جعلی محبت که ربطی به محبت واقعی ندارند، چه هستند؟
۳. در کلاس، در مورد قربانی هایی که مردم برای خداوند میدهند، از جمله گذشتن از زندگی خودشان، صحبت کنید. از این داستان ها چه چیزهایی می توانیم یاد بگیریم؟
۴. در مورد پاسخ خود به سوال پایانی درس یکشنبه، و آنچه که شما برای مسیح قربانی کرده اید، فکر کنید. در واقع، چه فداکاری کرده اید؟ چرا کرده اید؟ آیا ارزش آن را داشته است؟ چگونه میتوانید برای کسی که مسیحی نیست، توضیح دهید چه کاری شما انجام داده اید، و چرا انجام داده اید؟